

# باز هم در باب اسکان غیررسمی

## مورد شیرآباد زاهدان

### چکیده

سخن بر سر اسکان غیررسمی است که به غلط و گاه به اصرار حاشیه نشینی خوانده می‌شود<sup>(۱)</sup> و البته این سخنی مکرر است. در این مقاله نخست به وجوه مفهومی و نظری سکونتگاه‌های غیررسمی یا اسکان "غیررسمی" اشاره خواهد شد. آنگاه موردی خاص، یعنی شیرآباد زاهدان، معرفی و مورد بحث قرار خواهد گرفت. در فرجام، از اقدامات مشارکت مدار اهالی در قالب طرح شورا یاری که از سوی نگارنده طراحی و در شماری از شهرها و از جمله تهران به اجرا در آمده است، یاد خواهد شد و سرانجام، راههای برخورد علمی با مساله اسکان غیررسمی مورد چند و چون قرار خواهد گرفت. مقاله با هشدار در باب آینده این پدیده به پایان می‌رسد.

### واژه‌های کلیدی:

اقدامات مشارکت مدار، فقرای شهری، اسکان غیررسمی، مسکن اجتماعی، مدیریت شهری قدرتمند، قدرتمندی جامعه مدنی، شورش شهری، اجتماعات آلونکی، طرح شورا یاری.

#. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

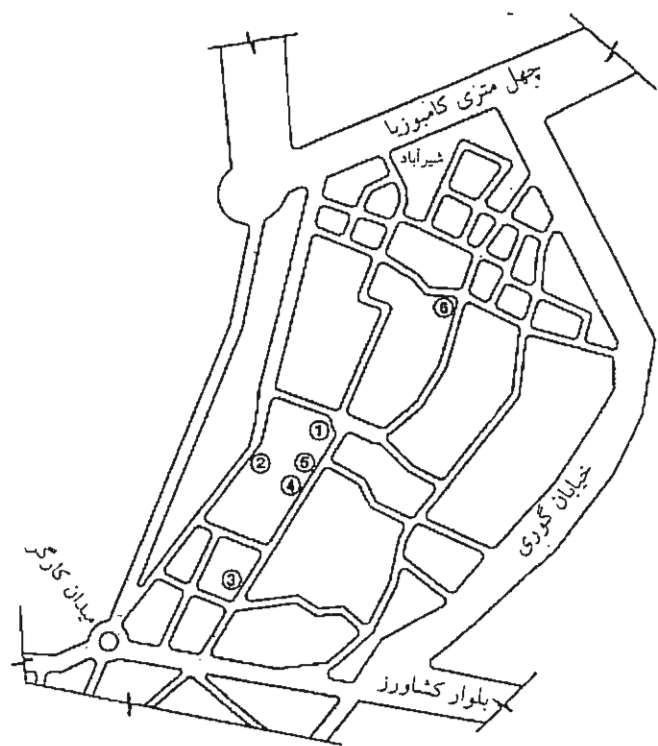
۱. نگارنده در گزارش تحقیقات متعدد و در مقاله‌های مختلف، با رجوع به منابع قابل توجهی که برخی از آنها به دهه گذشته باز می‌گردند، بارها تاکید کرده است که مفهوم حاشیه نشینی از جیات گوناگون مفهومی نادرست و گمراه کننده است. تاکید مکرر بر این موضوع، صرفاً جدلی مدرسه‌ای نیست. شاید پرسیده شود که این همه تکرار برای چیست؟ دهها مفهوم نادرست رواج یافته‌اند و به قول معروف غلط مصطلح اند و دائماً اینجا و آنجا به کار می‌روند. البته، بهتر است که چنین نشود اما آسمان که به زمین نمی‌آید. آیا تاکید دائمی احتراز از به کار بردن مفهوم حاشیه نشینی، خود به واکنشی به همان اندازه شدید منجر نمی‌شود تا تنی چند این مفهوم را بیش از پیش به کار برند و بر آن اصرار ورزند؟ حقیقت آن است که اساساً بحث بر سر کار بردن یا کار نبردن یک مفهوم نیست. مشکل در نتایج و آثار ناشی از کاربرد آن است. وقتی از حاشیه سخن به میان می‌آید، خودبخود این امر به ذهن متبادر می‌شود که متنی آراسته و نظام‌مند وجود دارد که حاشیه آن را به چالش گرفته است. حاشیه‌ای که باید از میان برود. فضایی نابهنجار که ناخوشایند است. اینجاست که مسؤولان، محققان و برنامه ریزان بسیاری بر نفی حاشیه حکم می‌رانند، و تخریب آن را به هر قیمت خواستار می‌شوند. بر این اساس، ذهنیتی خطرناک شکل می‌گیرد که باید به هر نحو به نابودی حاشیه اقدام کرد. بر این پایه مأمورانی در رده‌های گوناگون خود را مجاز می‌پندارند که با مردم حاشیه نشین به دلخواه خود برخورد کنند. آنان که داستان پیدایش و رویش تپه مراد آب کرج را می‌دانند، یعنی همان جایی که ساکنان آن اسلام آبادش می‌خوانند و دیگران بر آن زورآباد نام نهاده‌اند، به خوبی آگاه‌اند که دو درجه دار ژاندارمیری بی محابا چه بلایی بر سر اهالی می‌آوردند و از هر کار غیرانسانی و غیراخلاقی فروگذار نمی‌کردند. مساله در این درد جانکاه نیفته است که مفهوم حاشیه چنین اقداماتی را مجاز می‌سازد.

دکتر پرویز پیران<sup>#</sup>

زده و از هیج، شهری پدید آورده‌اند که امروز بین ۵۵ تا ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده است و به آنان فرصتی بخشیده تا شبانگاهان فارغ از هیاوی زندگی شهری و دغدغه کار و گرسنگی، در سرپناهی سربر بالین نهند و دمی بیسایند تا روزی دیگر را از نو آغاز کنند. شاید محققان در قالب‌های بسته تفکر طبقه متوسط، فرصت نیافته‌اند تا از کلیشه‌هایی که در ذهنشان جای خوش کرده‌اند، لحظه‌ای رها شوند و واقعیت را با تمامی ابعاد آن به چشم دل، نیک بنگرند. بر این اساس، چه بسیار نسخه‌هایی که علیرغم نام و آوازه خود، در لابلائی سطور گزارش‌ها و کتابهای بسیار می‌پوسند، چرا که از دنیای زنده زندگی سربرنیآورده‌اند. به هر تقدیر، در باب اسکان غیررسمی حرف و حدیث بس فراوان است. مقاله حاضر تنها نقطه‌ای است بر مثنوی هفتصدمنی اسکان غیررسمی.

## ۲- سابقه امر و وجوه مفهومی

اسکان غیررسمی، ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و قول و قرارهای خاص خود، به دست خود ساکنان این گونه مکانها، ساخته شده است. به قول جان اف ترنر<sup>(۲)</sup> یکی از مستفکران غربی که نوآورانه به چنین سکونتگاه‌هایی نظر افکنده و برخی از یاوه‌های رایج در باب اجتماعات آلونکی و ساکنان آن را بر ملا ساخته: "اسکان غیررسمی برنامه ریزی مسکن تهیدستان در جوامعی است که برنامه ریزان آن فرصتی برای ارائه طرحی ناظر بر یافتن سرپناه، آن هم برای فقرای شهری، ندارند."<sup>(۳)</sup> گرچه سکونتگاه فقیران شهری پدیده‌ای تازه نیست، و از وجود آن در جوامع کهنسال یاد شده است، اما چنین سکونتگاه‌هایی در ابعاد گسترده، به صورت مجتمع، پدیده‌ای است که با ورود سرمایه داری به دومین مرحله خود یعنی سرمایه داری صنعتی و پیدایش شهرهای میلیونی متعاقب آن، عینیت یافته است. همانگونه که در جای دیگری عنوان شده: "واقعیت آن است که مشکل سرپناه به قدمت زندگی جمعی انسان است. در منابع و متون تاریخی



- ۱- قبرستان قدیمی متروکه
- ۲- مدرسه
- ۳- پاسگاه نیروی انتظامی
- ۴- مجتمع بهزیستی
- ۵- کلینیک بسیج
- ۶- مرکز محله

نقشه ۱. نقشه کلی شیرآباد، سال ۱۳۷۷.

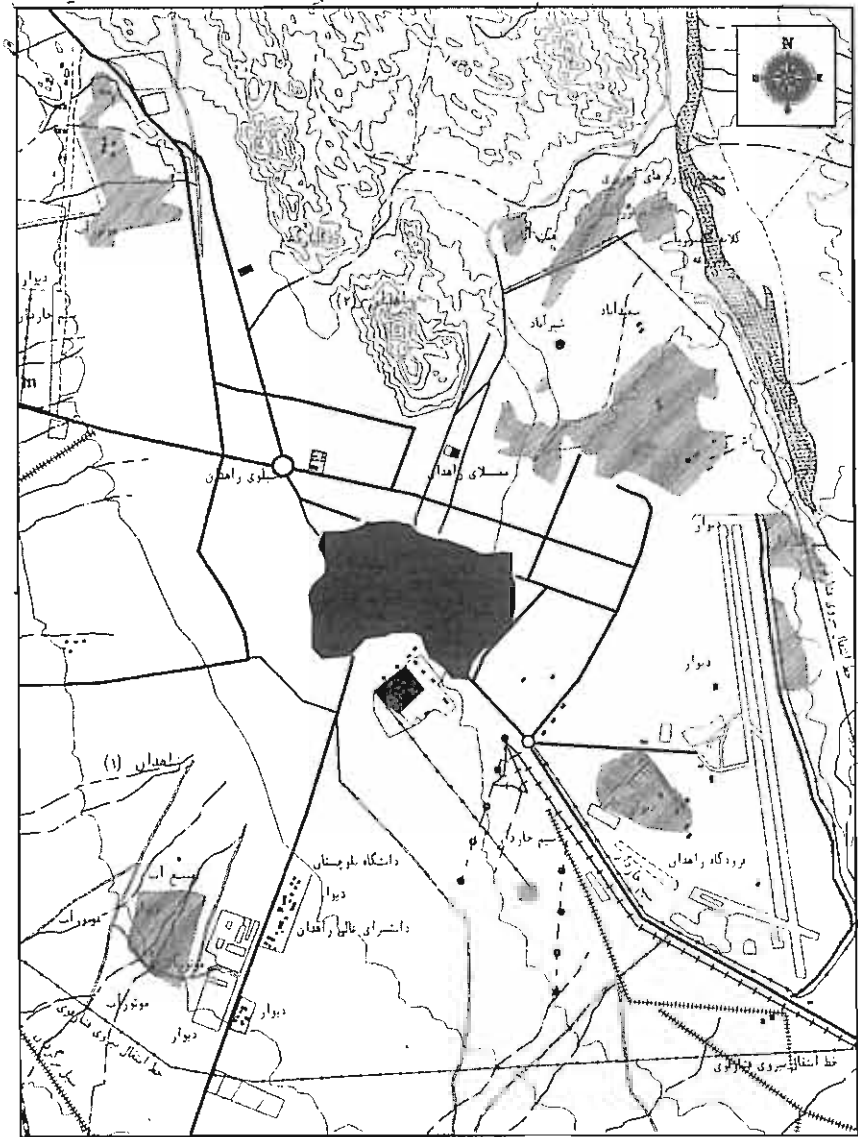
## درآمد

مورد شیرآباد<sup>(۱)</sup> از جمله مواردی است که تمامی ابعاد مسئله اسکان غیررسمی را بخوبی نشان می‌دهد و به علاوه دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که شرایط آن را بیش از پیش پیچیده می‌سازد، در عین حال گواه توانمندی تهیدستان نامتشکل شهری است که برای بقای خود گام به راه نهاده، بسیج شده و شهری کوچک چسبیده به زاهدان ساخته‌اند. در بازدیدی که به اتفاق کارشناسان خارجی از محل به عمل آمد، یکی از آنان که اسم و رسمی به تمام نیز دارد بر ضرورت توانمندسازی فقرای شهری تأکیدی روا می‌داشت و ضعفهای موجود در این وادی را بر می‌شمرد. در پاسخ نگارنده یادآور شد که توانمندی از این بالاتر که تهیدستان غیرمتشکل شهری در نامساعدترین فضاها و شرایط، خود آستین‌ها را بالا

۱- بررسی و تحلیل شیرآباد زاهدان بر پژوهشی استوار است که نگارنده برای سازمان ملل متحد، دفتر عمران ملل متحد، در قالب برنامه فقرزدایی سیستان و بلوچستان انجام داده است. خلاصه‌ای از پژوهش در کتابی با عنوان Poverty Alleviation in Sistan & Baluchestan: The Case of Shirabad, UNDP 2002 منتشر شده است.

2- John f. Turner

۳- ر.ی. Turner, 1976



نقشه ۲. موقعیت شیرآباد نسبت به زاهدان، سال ۱۳۵۱.

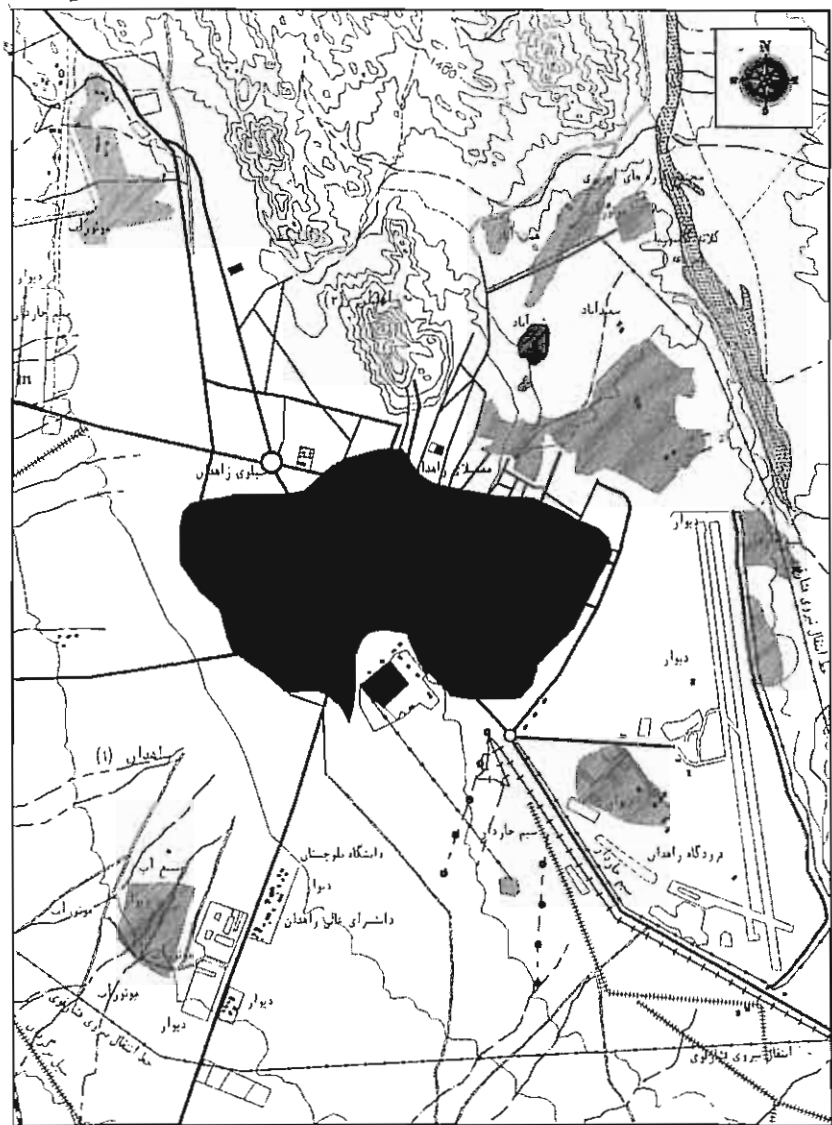
پدیده جدیدی (کارخانه) پای به عرصه حیات نهاده و ببالد. به قول پیترو هال و مانویل کاستل: "تصویری از اقتصاد صنعتی قرن نوزدهم وجود دارد، که از طریق صدها کتاب درسی تاریخ با آن آشنائیم: معدن ذغال سنگ و کارخانه ذوب آهنی در همسایگی آن، که دودی عظیم و سیاه را به آسمان می‌فرستد."<sup>(۲)</sup> چنین اقتصاد صنعتی‌ای شهرنشین است. بر این اساس، صدها شهرِ شرکتی و صنعتی از زمین سربرآوردند. در کنار کارخانه که باید تولید انبوه را سامان می‌داد و نیاز سرمایه داری به انباشت دم افزون سرمایه آن هم برای سرمایه گذاری

ایران، از خرابه خوابی، ویرانه نشینی، در قبرستان متروک خوابیدن و زندگی در بیغوله‌ها، مکرر یاد شده است. اما آنچه که امروزه به نام مشکل مسکن مطرح می‌شود، محصول سر برآوردن و بالیدن نظام سرمایه‌داری است."<sup>(۱)</sup>

با ظهور سرمایه داری، منطق درونی این نظام، یعنی انباشت دم افزون سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد، فرایندی بی انتها، بر همه چیز سایه افکند. چنین منطقی با نظامهای صنعتی ماقبل سرمایه داری، یعنی صنایع خانگی و صنایع کارگاهی (مانوفاکتور) سازگار نبود. چراکه منطق یاد شده تنها از طریق تولید انبوه، تحقق می‌یافت. لذا چاره‌ای نبود، مگر فرایند پراکنده‌ی تولید که درصدها کارگاه براساس روابط استاد شاگردی به فرجام می‌رسید، زیر یک سقف گرد آید و

۱- پیران، ۱۳۸۰: ۲۸

2- Castells & Hall, 1994:1



نقشه ۳. توسعه شیرآباد و زاهدان، سال ۱۳۶۱.

البته با رونق سرمایه داری و نیاز به بالا رفتن سطح زندگی توده مردم و گسترش طبقه متوسط که برای مصرف تولید انبوه ضروری بود، برنامه بازسازی شهرها با پیشگامی برنامه پاکسازی گتوها و محلات فقیرنشین به راه افتاد. این دوران فصل مهم تاریخ برنامه ریزی شهری اروپا و سپس آمریکای

مجدد، فرایندی سیزیف<sup>(۱)</sup> وار را به فرجام می‌رساند، به انبوهی کارگر نیاز بود تا از بام تا شام چرخ کارخانه‌های نوپا را به گردش درآورند. چنین بود که خیل عظیمی راهی شهرها و نوشهرهای اروپای غربی شوند. از سوی دیگر، به جمعیتی انبوه نیاز بود تا در مکان محدودی (شهرها و نوشهرها) گرد آیند و به مصرف تولید انبوه همت گمارند. بر این اساس، شهرها با سرعتی خیره کننده رو به رشد نهادند. شهرهایی که شتابان پای به رشد نهاده بودند، آماده پذیرش انبوه مهاجران نبودند. از اینرو، محلات فقیرنشین (Slums) و محله‌های یهودیان پرتلاریا (Ghetto) سربرآوردند و اسکان تهیدستان و رانده شدگان را بر عهده گرفتند. گتوها از قدیم الایام به محله‌های اقلیتها اطلاق می‌شد که در آغاز سرمایه داری بیشتر یهودیان تهی دست را دربرگرفت.

۱- Sisyphus در اسطوره‌های یونانی پادشاه کورینت، جاه طلب و استاد در فریب دادن که به خشم خدایان در هادس محکوم گردید که تا ابد سنگی بزرگ را به قله کوهی رساند و چون به قله می‌رسید سنگ دوباره به پایین در می‌غلطید تا او دوباره آن را به بالا ببرد. در ادبیات و فرهنگ مغرب زمین سیزیف نماد کاری عبث و بی فرجام است. مشابه دانانید ملکه‌ای که به خشم خدایان محکوم بود که آب اقیانوسی را با سطلی بی ته تخلیه کند. منطق درونی سرمایه داری دقیقاً چنین فرایندی است. نگاه کنید به پیران، ۱۳۸۱.

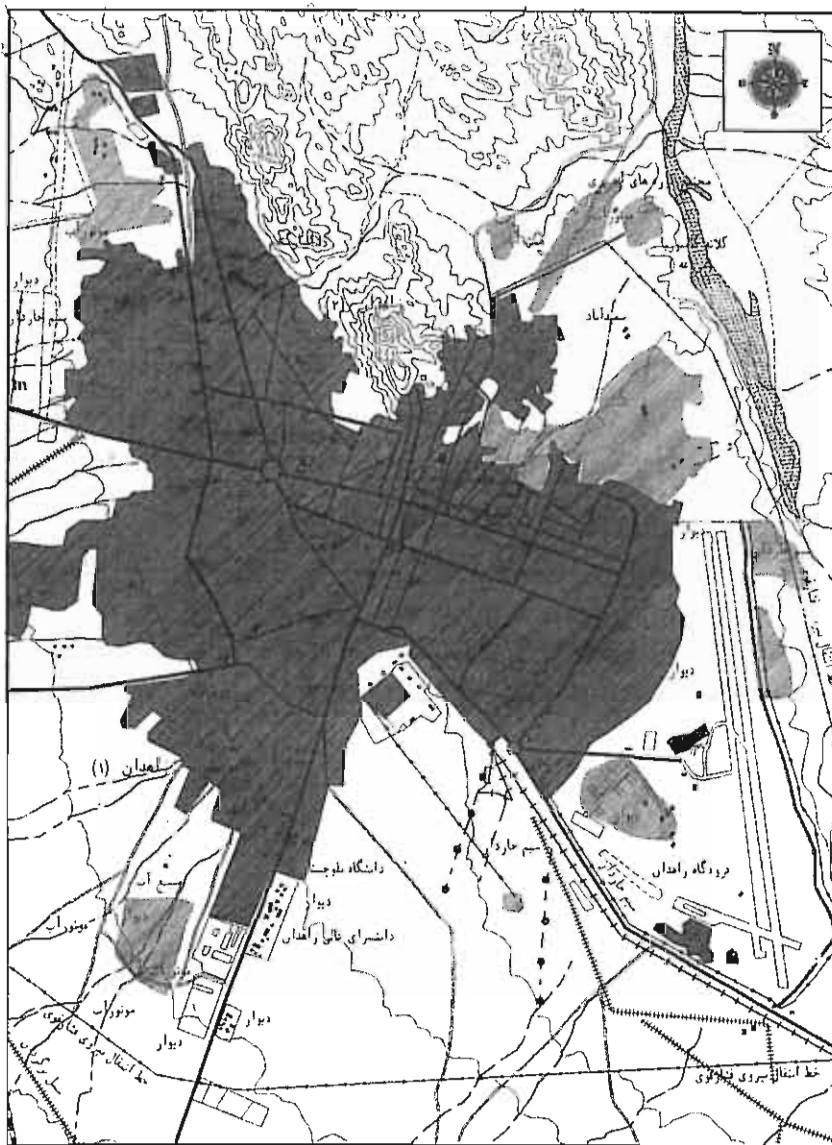
شمالی به شمار می‌آید. بحث شهروندی و از جمله حقوق شهروندان، مبارزات طبقه کارگر متشکل به عنوان مهمترین جنبش اجتماعی و بعدها ضرورت بهبود اوضاع در مقابل آرمانهای سوسیالیسم و خنثی سازی خطر آن، همگی دست به دست هم دادند و شهرها را رونق بخشیدند. مفاهیمی چون مسکن اجتماعی و اقداماتی برای مقابله با بورس بازی زمین و مسکن و به عنوان سازوکاری جهت هدایت سرمایه‌های سرگردان به بخش‌های تولید و بالاخره مهار بخش خدمات، تماماً برنامه‌هایی بود که ضمن محدود سازی فقر، گرچه به نابدی کامل محله‌های فقیرنشین در اروپای غربی منجر نشد، لیکن تا حدودی از گسترش و تکثیر آنها ممانعت به عمل آورد. در مجموع، برنامه باز زنده سازی شهرها را، فرایندی که دوباره در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی در پرتو فرایند جهانی شدن به راه افتاد، برنامه‌ای موفق از کار درآورد. علاوه آنکه پس از طی دوران گذار جمعیتی و افزایش شدید جمعیت کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی، رشد جمعیت مهار شد تا جایی که در کشورهایی پس از جنگ دوم جهانی به رشد منفی تبدیل گردید. نتیجه تمامی این بحثها عدم موضوعیت اسکان غیررسمی در کشورهای صنعتی سرمایه داری بود. ضمناً نباید فراموش کرد که قدرتمندی جامعه مدنی، اهمیت و حرمت قانون، گرایش عمومی به قانون‌گرایی و مدیریت شهری قدرتمند، امکان اشغال زمین و ایجاد سکونتگاه‌هایی غیرقانونی و غیررسمی را از اساس منتفی می‌کرد. از اینروست که امروز با ظهور سرمایه‌داری قماری و فلاکت انبوه مردم، خیابان‌خوابی به ابعادی خیره‌کننده رسیده است. اما خیابان‌خوابان قادر به اشغال زمین و ساختن سرپناه نیستند.

اما، بالا رفتن سطح زندگی و مصرف‌گرایی شدید در اروپای غربی و بعدها آمریکای شمالی و اقیانوسیه، درمان کامل نیاز به انباشت دم افزون سرمایه برای سرمایه‌گذاری مجدد نبود. چنین اشتباهی سیری‌ناپذیر به نظر می‌رسید. از اینرو، بحرانهای سرمایه داری به عنوان جزء ذاتی نظام ادامه یافت. بحران مازاد تولید که در ۱۸۲۵ گریبان انگلستان، پیشگام صنعتی شدن را گرفت تنها نمونه‌ای از بحران درونی نظام سرمایه داری بود. چاره کار، دست کم تا مدتها، باز شدن سیستم سرمایه داری و ادغام اقتصادهای جهانی، که به جهان سوم، موسوم بود در درون این سیستم تلقی شد. بر همین اساس، برنامه‌ای جهانی تحت عنوانی که امروزه دیگر مضحک به نظر می‌رسد، یعنی امروزین شدن (مدرنیزاسیون)، به راه افتاد. اما واقعیت چیزی جز ادغام اقتصادها و جوامع جهان سوم در نظام سرمایه داری نبود. سرمایه داری برای

به تدریج و در نبود جامعه مدنی قدرتمند، کم‌حرمتی قانون و فقدان مدیریت شهری قدرتمند، بازار غیررسمی زمین و مسکن پدید می‌آید. شهیدستان نامتشکل شهری و مهاجران روستایی مسکن‌گزیده در شهر نیز به جان می‌کوشند تا برای بقای خود، اجاره مسکن را از سبد هزینه‌های خانوار حذف کنند.

جاننشینی شیوه‌های ماقبل سرمایه داری به جهان سوم وارد نشد. گرچه تا امروز چنین ادعایی با قوت تمام و با تبلیغات همه جانبه مطرح می‌شود، بلکه به قول فوستر کارتر: سرمایه داری در کنار شکل‌های ماقبل سرمایه داری جا خوش کرد. تنها به تغییر آنچه که نیاز داشت پرداخت و وجوهی از زندگی قبلی را که مناسب تشخیص می‌داد نه تنها حفظ، بلکه همه جانبه تقویت کرد.

مطابق تجربه غرب، فرایند مدرنیته از سه جزء اساسی تشکیل شده است: (۱) صنعتی شدن؛ (۲) شهری شدن؛ (۳) دموکراسی سیاسی. علیرغم سرمایه‌گذاریهایی میلیاردری در بخش صنعت، به استثنای چند مورد که امروزه سخت در بحران بسر می‌برند، کمتر موردی در جهان سوم یافت می‌شود که نشانه نتیجه بخش بودن واقعی پروژه صنعتی شدن به شمار آید. اوضاع و احوال دموکراسی سیاسی نیز در این جوامع اسفبار است. از قضا، برای جلوگیری از دموکراسی سیاسی فقط در آمریکای لاتین دهها فقره کودتا به وقوع پیوسته است که کوشیده‌اند تا تمامی نهادهای مدنی منطقه "آمریکای لاتین" را نابود کنند در قلمرو شهری شدن، مسئله حتی پیچیده‌تر است. گرچه علوم اجتماعی رسمی مغرب زمین سالها ادعا کرده است که شهری شدن جهان سوم مشابه مغرب زمین به پیش رفته و تنها تفاوت در تأخیر زمانی است؛ یعنی آنچه که در یک قرن قبل در اروپای غربی و آمریکای شمالی رخ داده است. امروز در جهان سوم به وقوع می‌پیوندد<sup>(۱)</sup> و آمار و ارقام و شاخص‌های گوناگونی را برای اثبات این شباهت به کار می‌برند. اما، فراتر از ارقام، آمار و برخی شاخص‌ها، ماهیت شهری شدن جهان سوم و جهان صنعتی از اساس متفاوت است. شهری شدن جهان سوم معلول رشد خیره‌کننده بخش سوم اقتصاد، یعنی خدمات، بوده است. همان بخشی که در جهان پیشرفته تا پایان جنگ جهانی دوم سخت کنترل شده و سرمایه‌های سرگردان جامعه با انواع



نقشه ۴. اتصال شیرآباد به زاهدان و توسعه چشمگیر زاهدان، سال ۱۳۷۷.

دیگر در بخشهای کشاورزی و صنعت امکان جذب جمعیت مازاد وجود ندارد. لذا جمعیت پرشمار در پایتخت و دیگر مراکز مهم شهری، رحل اقامت می‌افکنند تا عمدتاً در بخش غیررسمی کاری دست و پا کنند. بدین سان شهرهای چندین و چند میلیونی در کشورهای جهان سوم سر برآورده‌اند.

با توسعه بخش خدمات، بورس بازی زمین و مسکن نیز به راه می‌افتد. از این رو، بخشی از جمعیت شهرها که ناشی از رشد طبیعی جمعیت و انبوه مهاجران روستایی و یا مهاجران از شهرهای کوچک ترند، قادر به یافتن سرپناه در بازار رسمی زمین و مسکن نمی‌شوند. به تدریج و در نبود جامعه مدنی قدرتمند، کم حرمتی قانون و فقدان مدیریت شهری قدرتمند،

راهکارها به بخشهای تولیدی رانده می‌شدند.<sup>(۱)</sup> رشد بخش سوم اقتصاد یا خدمات در جهان سوم از نظر فضایی نیز فوق العاده ناهمگون رخ داده است؛ یعنی، پایتختهای جهان سومی با ایجاد بازار کار بسیار گسترده در بخش خدمات و در درجات بعدی مراکز مهم تجاری-اداری (در ایران و در بسیاری از کشورها) به مشاغل انگلی یا پادویی شهری جان بخشیده‌اند. از طرفی، جمعیت جوامع جهان سوم در پرتو توسعه بهداشتی و آموزشی برکنترلهای طبیعی جمعیت (مرگ و میر نوزادان، مرگ و میر کودکان تا ۵ سال، مرگ و میر مادران باردار، مرگ و میر ناشی از بیماریهای واگیردار) فایق آمده‌اند بدون آنکه تحولات ساختاری اقتصادی، و بعدها کنترلهای آزادی به تعادل جمعیتی منجر شود. پس، از یکسو جمعیت شتابان رشد می‌کند و از سوی

۱. ر.ک. پیران، ۱۳۸۰

بازار غیررسمی زمین و مسکن پدید می‌آید. تهیدستان نامتشکل شهری و مهاجران روستایی مسکن گزیده در شهر نیز به جان می‌کوشند تا برای بقای خود، اجاره مسکن را از سبد هزینه‌های خانوار حذف کنند. لذا بخشی از گروه‌های یاد شده با امکانات اندکی که فراهم می‌آورند به بازار غیررسمی زمین و مسکن جذب می‌شوند.<sup>(۱)</sup> (نگاه کنید به پیران، ۱۳۷۶)

بازار غیررسمی زمین و مسکن به سه طریق زمین در اختیار متقاضیان خویش می‌نهد: (۱) تهاجم وسیع سازمان یافته و اشغال تکه‌های بزرگ زمین در هر جای ممکن؛ (۲) تصرف خزنده و سرانجام؛ (۳) تقسیم و باز تقسیم زمین‌های کشاورزی اطراف شهرها که با وضع قوانین مربوط به ممنوعیت ساخت و ساز در اراضی کشاورزی و یا با ترسیم محدوده‌های شهری، در بازار رسمی زمین و مسکن قابل عرضه نیستند. تهیدستان نامتشکل شهری چنانچه قادر به پرداخت مبالغی باشند که معمولاً قیمت زمین در بازار رسمی زمین و مسکن چندین برابر آنست، صاحب تکه زمینی می‌شوند که بدون مجوز باید در اسرع وقت آن را به سرپناهی تبدیل کنند. به این ترتیب، اجتماعات اسکان غیررسمی به عنوان سازوکار بقای تهیدستان سربر می‌آورند. همین اجتماعات است که آنها را اجتماعات یک شبه برپا شده، اجتماعات آلودگی، اجتماعات چتربازان، اجتماعات پرولتاریای شهری، اجتماعات مسکن نابهنجار، اجتماعات حاشیه‌ای می‌خوانند. به این ترتیب، صدها اجتماع غیررسمی در جهان سوم پدید آمده و رو به افزایش است. آمریکای لاتین پیشگام این فرایند بوده است. در آسیای جنوب شرقی، و امروزه آفریقا، به این صورت میلیون‌ها نفر صاحب سرپناه شده‌اند.

اجتماعات آلودگی در ایران که در دهه‌های گذشته به آنها گودنشینی می‌گفتند، برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در تهران پای به عرصه نهادند. اما رشد خیره‌کننده چنین اجتماعاتی به اواسط دهه ۴۰ شمسی باز می‌گردد. امروزه در اکثر شهرهای بزرگ ایران، شهرهای بندری و بارانداز، و شهرهایی که رشد جمعیتی بسیار بالایی دارند، اسکان غیررسمی پدیده‌ای متداول است که فرایند رشد آن سر باز ایستادن ندارد. هر چند ابعاد اجتماعات غیررسمی در ایران با آن چیزی که در سایر کشورهای جهان سوم، از جمله دو همسایه ایران یعنی پاکستان و ترکیه، رخ داده است قابل مقایسه نیست، لیکن پیش بینی می‌شود چنانچه شرایط اقتصادی به شکل کنونی ادامه یابد، در آینده‌ای نزدیک شمار ساکنان اجتماعات غیررسمی از چندین میلیون نفر فراتر رفته

و چهره شهرها را دگرگون می‌کند. این امر در کنار روستایی شدن حاشیه شهرها، مسائل جدی و گوناگونی را فراروی مدیریت شهری کشور قرار خواهد داد که از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گوناگونی برخوردار است.<sup>(۲)</sup>

**۳ - پندارهای ناروا در باب اجتماعات غیررسمی**  
در زیر تلاش می‌شود تا به برداشتهای نادرست و ناروایی که نسبت به اجتماعات غیررسمی وجود دارد، پرداخته، و پس از آن مورد شیرآباد معرفی گردد.

#### ■ اجتماعات غیررسمی معضلی کالبدی، اجتماعی و فرهنگی اند.

این برداشت نادرست نزد مسؤولان، محققان و برنامه ریزان شهری عمومیت دارد. بدون آنکه پیدایش و رشد این گونه اجتماعات مثبت تلقی شود، باید پذیرفت که پیدایش آنها نه تنها معضل به حساب نمی‌آید، بلکه جانسین دهها معضل جدی است. اگر، بر فرض محال، دولت‌های جهان سوم قادر شوند از پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی جلوگیری کنند، باید وقوع دهها فقره شورش شهری را انتظار بکشند. علاوه بر آنکه جمعیت زیر خط فقر در این کشورها شتابان رشد خواهد کرد و فقر مطلق به معضلی حاد تبدیل خواهد شد. افزایش جرایم و کجرویها و رشد ناامنی را نیز نباید از یاد برد.<sup>(۳)</sup>

#### ■ اجتماعات غیررسمی خاستگاه کجرویهای اجتماعی و بروز جرم و جنایت‌اند.

تردید نیست که شرایط اجتماعات غیررسمی برای مخفی نگه داشتن خلاف کاران، مناسب‌ترین مکانها به شمار می‌آیند. اما اکثریت ساکنان اجتماعات غیررسمی مردمی زحمتکش و شریف‌اند و تعمیم کجروی به ساکنان اجتماعات غیررسمی، تهمتی سخت نارواست.

■ ساکنان اجتماعات غیررسمی مهاجران روستایی‌اند. گرچه بخش عمده‌ای از ساکنان اجتماعات غیررسمی زمانی مهاجر بوده‌اند، اما شمار افرادی که از بخش رسمی شهرها به اجتماعات غیررسمی روی می‌آورند، روز به روز افزایش می‌یابد و تنوع شغلی، قومی و گروهی این گونه اجتماعات به شدت رو به افزایش است.

۱. ر.ک. پیران ۱۳۷۶: ۱۳.

۲. ر.ک. پیران، ۱۳۸۰.

۳. ر.ک. پیران، ۱۳۷۹.

■ تشکیل اجتماعات غیررسمی معلول اصلاحات ارضی در ایران است.

بررسیهای جمعیت شناسان، به ویژه تحقیقات آقای دکتر زنجانی، نشان داده است که متعاقب اصلاحات ارضی مهاجرت با دامنه‌ای که مطرح شده هرگز روی نداده است، بلکه رشد اجتماعات غیررسمی عمدتاً در دهه پنجاه شمسی صورت گرفته است. ضمناً پیدایش نخستین اجتماعات غیررسمی نیز سالها قبل از اصلاحات ارضی رخ داده است.

■ اجتماعات غیررسمی در حاشیه شهرها شکل می‌گیرند. بدیهی است که در حاشیه شهرها زمین قابل تصرف بیشتر است. افزون بر اینها، ممنوعیت ساخت و ساز روی زمین‌های کشاورزی و تعیین محدوده شهرها به وخامت موضوع دامن می‌زند و اما، از دیرباز اجتماعات آلودگی در هر جا که زمین مساعد و قابل تصرف وجود داشته، شکل گرفته است. اجتماعات غیررسمی خیابان زنجان که امروزه تخریب شده‌اند، اجتماعات غیررسمی حاشیه اتوبانهای کردستان و چمران، دهها مورد دیگر گواه این امرند. از سویی پدیده حاشیه شهرها مفهومی گذرا است. نقطه‌ای که امروز حاشیه شهر است، فردا از حاشیه بودن خارج می‌شود.

■ ساکنان اجتماعات آلودگی تماماً در بخش غیررسمی اقتصاد و در مشاغل انگلی شهری (دستفروشی و غیره) به کار اشتغال دارند.

اتفاقاً کارگران شهرداری تهران، پدید آورندگان نخستین اجتماعات غیررسمی بوده‌اند. حتی تا امروز هر پگاه دهها اتوبوس و مینی بوس کارگران متشکل کارخانه‌های مستقر در جاده تهران به کرج را از تپه مرادآب کرج به محل کار می‌رسانند. اساساً، یکی از تحلیل‌های جدی پیدایش اجتماع ساکن بر تپه مرادآب کرج، را محصول چشم پوشی دولت دوران گذشته بر اسکان غیررسمی کارگران بر تپه نامبرده به دلیل حفظ و باز تولید نیروی کار ارزان و عدم سرمایه گذاری در مسکن کارگری تلقی می‌کند، که تا حدود زیادی درست است. به هر تقدیر، برداشت و پندار ناروا در مورد سکونتگاه‌های غیررسمی که به سه شکل کالبدی: (۱) روستای درون شهری؛ (۲) حلب شهرها و حلبی آبادها؛ (۳) خانه‌های متعارف اما بسیار فروتر از سطوح استاندارد و بدون سند تهیدستان شهری که اینجا و آنجا ساخته می‌شوند، بسیار فراوان است. پندار نادرست دیگر، این تصور است که اجتماعات اسکان غیررسمی محل فقیرترین اقشار جامعه است. گرچه فقیرترین گروهها را می‌توان در اجتماعات

آلودگی یافت، لیکن ساکنان آن معمولاً کسانی اند که توانسته‌اند یک تا سه میلیون تومان پول، آن هم به تدریج فراهم آورند و با ساختن سرپناه تحرک عمودی از نظر سطح زندگی و با مسامحه، تحرک طبقاتی<sup>(۱)</sup> را تجربه کنند و غذا و پوشاک بهتری دارند. فوراً باید اضافه کرد که فرایند فقیر شدن مدتی است در اجتماعات آلودگی آغاز شده است. نگارنده با آغاز دو پژوهش، یکی در باب الگوهای انطباق خانوارهای تپه مرادآب با وخیمتر شدن شرایط اقتصادی، و دیگری در خصوص نظام حمایت غیررسمی در محله‌های آلودگی، می‌کوشد تا این موضوع را مستند سازد. نتایج این دو تحقیق به زودی منتشر خواهد شد.

۴ - شیرآباد: موردی از اسکان غیررسمی  
شیرآباد در شمال شرقی زاهدان واقع شده است و نمونه‌ای کامل از اجتماعات اسکان غیررسمی به شمار می‌آید. ساختار کالبدی شیرآباد از دو الگوی روستای درون شهری (بخش قدیمی شیرآباد) و خانه‌های متعارف اما خود ساخته و زیر سطح استاندارد تهیدستان نامتشکل شهری تشکیل شده است. هر چند که در آغاز انقلاب این مکان، تهاجم وسیع سازمان یافته برای اشغال زمین را تجربه کرده است، لیکن مهمترین شکل دستیابی به زمین تقسیم و باز تقسیم زمین‌های کشاورزی که از بی آبی به بیابان تبدیل شده‌اند، آن هم با توافق و رضایت مالکین (عمدتاً از خانواده گرگیج، یکی از مهمترین طایفه‌های بلوچ این قوم کهن ایرانی) بر پایه ردوبدل کردن تکه کاغذی، یا قولی شفاهی که سخت معتبر است، صورت گرفته است.

تمامی اجتماع غیررسمی شیرآباد خود ساخته یا دست ساز ساکنان است. مساحت آن براساس نقشه‌های پلنومتری نزدیک به ۱۰۰ هکتار یا یک ۲۷م کل مساحت زاهدان است. مساحت زاهدان در سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۱ سه برابر شده است و در تمامی جهات گسترش یافته است. چنین رشدی گویای مرکزیت اداری - تجاری - نظامی و سیاسی زاهدان در جنوب شرقی کشور است. بدیهی است که با چنین رشد شتابانی، قیمت زمین و مسکن، اجاره بها و ودیعه یا پیش پرداخت نیز چندین برابر شده است که بخشی از جمعیت شهر زاهدان دیگر قادر به تهیه سرپناه، به هر یک از صورتهای خرید، اجاره و یا رهن، در بازار رسمی زمین و مسکن نیستند. ورود افغانها،

۱. از آن روی با مسامحه زیرا نگارنده معتقد است که ساختار جامعه ایران هرگز ساختاری طبقاتی به شکل غرب نبوده است. از فضا تنها این روزها جامعه به سوی طبقاتی شدن نابینجار رد می‌سپرد.



آن هم در شماری چشمگیر، چه بر اثر حمله شوروی سابق و چه در پی گریز از حاکمیت طالبان، مسئله را حادث کرده است و سکونتگاه غیررسمی متعددی به عنوان سازوکار بقاء، در درون و پیرامون زاهدان شکل گرفته‌اند.

از جمله مهمترین سکونتگاه‌هایی از این دست، می‌توان از شیرآباد، بابائیان، کریم آباد، کارخانه نمک، امام رضا و حسن آباد یاد کرد. با رشد خیره‌کننده زاهدان و نیاز به اسکان بخشی از جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی، روستاهای اطراف زاهدان با شتابی تمام رو به رشد نهادند، به شکلی که شیرآباد، که زمانی روستایی کوچک بود، در فاصله کوتاهی تمامی فاصله خود با زاهدان را در نور دیده و امروز به محله‌ای بزرگ در داخل محدوده زاهدان تبدیل شده است. همانگونه که اشاره شده شیرآباد جمعیتی نزدیک به ۶۰ هزار نفر را در خود جای داده است. البته رسیدن به جمعیت واقعی آن خود، معضلی پیچیده است. ارقام ارائه شده برای جمعیت آن از ۲۹ تا ۶۶ هزار نفر در نوسان‌اند. بررسی نگارنده نشان می‌دهد که در اکثر پژوهش‌های رسمی، جمعیت به دلایل گوناگون با کم شماری توأم بوده است. قابل‌انتکاءترین ارزیابی جمعیتی این ناحیه به بررسی‌های خانه بهداشت شیرآباد تعلق دارد که رقمی برابر ۴۵ هزار نفر را نشان می‌دهد. بررسی همین مرکز در سال ۱۳۷۳، رقم ۴۲۷۰۰ نفر را گزارش کرده است. دلایل عمده نامشخص بودن جمعیت شیرآباد متعدداند که از آن میان به حضور غیرقانونی (فاقد کارت آبی) افغانها در محله، دخالت بخشی از جمعیت در حمل و نقل مواد مخدر، فقدان شناسنامه نزد برخی ایرانیان بلوچ که از نقاط دور افتاده استان به زاهدان مهاجرت کرده و در شیرآباد مستقر شده‌اند، و سرانجام سکونت چند خانوار در یک خانه که گاه با کم شماری در سرشماریها همراه می‌شود می‌توان اشاره کرد.

تعیین تعداد افغانهای ساکن در محله نیز معضلی جدی است. اساساً، بخش عمده ساکنان شیرآباد و تقریباً تمامی ساکنان بخش قدیمی شیرآباد، بلوچ، چه افغانی و چه ایرانی، هستند و تقریباً تمامی آنان خود را ایرانی می‌دانند. مشکل زمانی پیچیده‌تر می‌شود که دریا بیم بخشی از بلوچهای ایرانی در زمان رضاشاه (۱۳۰۷ الی ۱۳۱۵) از ایران گریخته و به افغانستان رفته‌اند. با تهاجم شوروی و سپس حاکمیت طالبان، به تدریج بخش‌هایی از طوایفی که به افغانستان گریخته بودند به شیرآباد بازگشته‌اند. از نظر دستگاههای اداری ایران، چنین افرادی که عمدتاً فاقد شناسنامه ایرانی‌اند، افغانی محسوب می‌شوند. لیکن خود این افراد بر ایرانی بودنشان اصرار دارند. فرایند عجیب، و در عین حال جالب دیگری همه روزه از شمار افغانها در معنای رسمی و قانونی کلمه می‌کاهد. یعنی،

پیش‌بینی می‌شود چنانچه شرایط اقتصادی به شکل کنونی ادامه یابد، در آینده‌های نزدیک شمار ساکنان اجتماعات غیررسمی از چندین میلیون نفر فراتر رفته و چهره شهرها را دگرگون می‌کند.

بلوچها اعتقاد دارند که نباید مرده را برای مدتی نگاهداشت و فوراً او را باید دفن کرد. لذا برخی از خانواده‌ها، زحمت پیمودن مراحل اداری تدفین فرد در گذشته را بخود نمی‌دهند، و از این رو مرده خود را در قبرستان غیررسمی لار، در همان نزدیکی، به خاک می‌سپارند. به این ترتیب، همه روزه عده‌ای از افغان‌های متمکن‌تر صاحب شناسنامه ایرانی شده و از شمار افغانهای بدون شناسنامه خارج می‌گردند. به تخمین نگارنده، که ضمناً بالاترین تخمین در بین تحقیقات رسمی است، رقم افغانها در منطقه قدیمی شیرآباد بین ۳۵ تا ۴۰ درصد جمعیت، و در کل شیرآباد بین ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت به شمار می‌آید. نکته جالب این است که از نظر بخش عمده اهالی زاهدان، محله شیرآباد کلاً افغانی نشین است. این امر در مورد دخالت در حمل و نقل مواد مخدر نیز صادق است. بسیاری از اهالی زاهدان و بسیاری از کارکنان دولت اکثریت ساکنین شیرآباد را درگیر مواد مخدر می‌دانند. اما بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که حداکثر ۲۵ تا ۳۰ درصد اهالی در این جریان دخیل‌اند. اما، بافت قومی و وحدت و همبستگی اجتماعی - قومی بسیار عمیق اهالی، سبب شده که در شرایط سخت همه به یاری یکدیگر بشتابند و بدون چشمداشت مالی گاه درگیر مسایل حمل و نقل مواد مخدر شوند.

بافت کالبدی شیرآباد، همانگونه که اشاره شد، دوگانه است. در بخش قدیمی، خانه‌های کاهگلی با سقف‌های گنبدی مشابه خانه‌های روستایی جنوب خراسان قرار دارند. نباید فراموش کرد که طایفه گرگیچ، طایفه مهم بلوچ، از جنوب خراسان و در طلب مرتع برای چرای دام خود به سمت جنوب روان شدند و در دزدآب یا زاهدان فعلی سکنی گزیدند. اما معماری بخش‌هایی از شیرآباد که بعداً توسعه یافته‌اند، نوع سوم الگوی معماری سکونتگاه‌های غیررسمی را تداعی می‌کنند، یعنی، خانه‌ها کاملاً زیر سطح استاندارد با مصالح دست دوم ساخته شده، آنهم به دست خود صاحبان و بدون سند، و به اعتباری غیرقانونی. نکته جالب آن است که بخش قدیمی که نمایانگر الگوی روستای درون شهری است بادوامتر از بخش جدیدتر است. اساساً بی‌دوامی و در نتیجه

امکاناتی چون یخچال، ماشین لباسشویی، تلویزیون، جاروبرقی، کولر گازی و آبی که تماماً در گزارش محاسبه شده‌اند، به طرح این فرضیه منجر می‌شود که گروههای کم درآمد رو به افزایش شتابان نهاده و نوعی قطبی شدن طبقاتی در حال وقوع است که در ضمن از تحلیل رفتن گروههای متوسط نیز حکایت دارد. ضمناً، رشد گسترده خانه‌های بی دوام گویای توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی است.

تحولات قیمت زمین در زاهدان و شیرآباد شاخص بسیار مناسبی در جهت تحلیل روی آوردن گروههای کم درآمد به سکونتگاه‌های غیررسمی به شمار می‌آید. در آغاز انقلاب اسلامی خانواده گرگیج صاحب بخش مهمی از زمین‌های شیرآباد و زاهدان، هر ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر مربع زمین در شیرآباد را بین ۲ تا ۳ میلیون ریال می‌فروختند. قیمت زمین در همان زمان با همان مترآژ در نامرغوب‌ترین نقطه زاهدان دست کم ۵ برابر قیمت یاد شده بوده است. علاوه بر آنکه قیمت یک متر مربع زمین برای احداث خانه در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان به طور مداوم از رشدی چشمگیر برخوردار بوده است. این امر در مورد متوسط قیمت یک متر مربع مسکن جدید الاحداث نیز صادق است. در جدولهای یک و دو و سه این موارد جمع بندی شده است.

قرار داشتن در معرض خطر تخریب معضل عمومی سکونتگاه‌های غیررسمی در سراسر جهان است. جالب آن است که این امر در مورد ساختمان‌های بخش‌های قانونی و رسمی شهر که به لایه‌های پایین طبقه متوسط و کل لایه‌های طبقه پایین تعلق دارد، نیز صادق است. در تحقیق شیرآباد، دوام خانه‌های ساخته شده در زاهدان از ۱۳۴۷ الی ۱۳۶۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این بررسی، خانه‌ها به سه گروه پردوام، با دوام یا دوام متوسط تقسیم شده‌اند. در ۱۳۵۵ تعداد خانه‌های بادوام ۳ برابر خانه‌های کم دوام و ۷ برابر خانه‌هایی بادوام متوسط ارزیابی شده‌اند. لیکن، ۱۳۶۵ تعداد خانه‌های کم دوام ۱/۵ برابر خانه‌های پردوام و ده برابر خانه‌هایی بادوام متوسط محاسبه شده‌اند. این الگو، کم و بیش در مورد وضعیت خانه‌های ساخته شده در سایر شهرهای استان نیز صادق است. نگاهی به رابطه بین انواع خانه ساخته شده، در بافت رسمی و قانونی، گویای این حقیقت است که دو گروه توانگران و افراد کم درآمد از رشدی بیش از گروه‌های متوسط درآمدی برخوردار بوده‌اند. نکته در خود توجه آن است که در سال ۱۳۶۵ تعداد خانه‌های کم دوام از مجموع خانه‌های پردوام و بادوام متوسط بیشتر شده است. این شاخص در کنار شاخص‌های دیگری چون درآمد، برخورداری خانوار از

جدول شماره ۱. متوسط قیمت یک متر مربع مسکن آماده فروش (مناطق شهری) استان سیستان و بلوچستان

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
قیمت به ریال	۱۵۱۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	۲۱۸۰۰۰	۲۷۸۰۰۰	۳۷۲۰۰۰

جدول شماره ۲. متوسط قیمت یک متر مربع زمین برای ساخت و سازهای جدید (مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان)

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
قیمت به ریال	۶۸۸۰۰	۷۶۰۰۰	۱۱۳۰۰۰	۱۶۱۰۰۰	۱۹۹۰۰۰

جدول شماره ۳. متوسط مبلغ اجاره و ودیعه در شهرهای منتخب استان سیستان و بلوچستان به همراه رتبه در کشور

سال	۱۳۷۱		۱۳۷۲		۱۳۷۳		۱۳۷۴		۱۳۷۵	
	اجاره	ودیعه	اجاره	ودیعه	اجاره	ودیعه	اجاره	ودیعه	اجاره	ودیعه
متوسط مبلغ اجاره و ودیعه به ریال	۶۲۲/۰۰۰	۶/۸۳۱/۰۰۰	۸۲۶/۰۰۰	۷/۱۳۱/۰۰۰	۱/۰۴۳/۰۰۰	۶/۹۶۹/۰۰۰	۱/۳۴۳/۰۰۰	۱۶/۳۳۴/۰۰۰	۱/۷۳۶/۰۰۰	۱۴/۰۷۶/۰۰۰
رتبه در کشور	۱۸	۱۹	۲۰	۱۹	۱۴	۱۹	۱۶	۲۰	۱۶	۱۸

نکته در خورد توجه آن است که بنا به گزارش وزارت مسکن و شهرسازی، ۶۰/۵۵ درصد خانوارهای زاهدان در سال ۱۳۷۱ صاحب محل سکونت خود بودند.<sup>(۱)</sup>

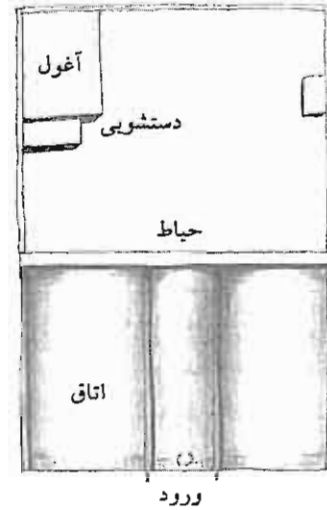
این درصد در سال ۱۳۷۵ به ۵۴/۴۴ کاهش یافته است. معنی این کاهش درصد آن است که شتاب رشد تعداد خانوارها بیش از روند رشد مالکیت محل سکونت بوده است.

چنانچه مجموع اطلاعات بالا در کنار متوسط قیمت خانه و اجاره بها در شیرآباد قرار داده شود روشن خواهد شد که اسکان غیررسمی برعکس باور مسوولان، برنامه ریزان و حتی محققان و متخصصان بسیاری، نه تنها معضلی اجتماعی و شهری نیست، بلکه راه حلی بسیار کارآمد برای تهیدستان نامشکل شهری است که قادرند به هر شکل مبالغی را یکجا پردازند و صاحب سرپناهی از آن خود شوند. در زمان تحقیق (سال ۱۳۷۸)، بهای خانه‌ای در شیرآباد با ۱۳۰ مترمربع مساحت دارای دو اتاق، دستشویی و حیاطی بس کوچک فقط دو میلیون تومان بوده است. خانه‌ای با همان مشخصات، اما با سقف چوبی و در و پنجره آهنی به بهای سه میلیون تومان خرید و فروش می‌شده است. بهای خانه‌ای به مساحت ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر مربع با سقف تیرآهن و در و پنجره آهنی، دارای حمام (که به علت بی آبی عملاً بی مصرف است و در اکثر خانه‌ها به انباری تبدیل شده است) ۴ تا ۴/۵ میلیون تومان بوده است. باید توجه کرد که متوسط پیش پرداخت در سال ۱۳۷۵، کمی بیش از یک میلیون و چهارصد هزار تومان بوده است. (طرح‌ها، نمای خانه‌ها، نقشه محل مسکونی، مصالح به کار رفته و نحوه استقرار خانه‌ها در کوچه‌ای را نشان می‌دهند. طرحها از خانم مهندس مهناز مختاری اند).

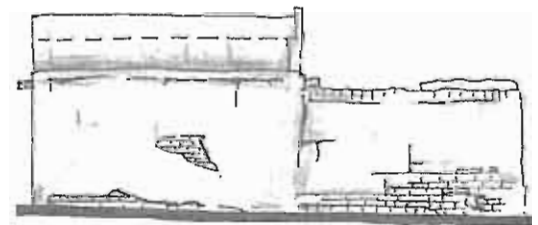
چنانچه متوسط اجاره بها و پیش پرداخت با گروه بندی درآمد در شیرآباد یکجا نگریسته شوند، مشخص خواهد شد که نزدیک به نیمی از اهالی شیرآباد تحت هیچ شرایطی قادر به تهیه مسکن در بازار رسمی زمین و مسکن زاهدان نبوده‌اند. ۳۳/۴ درصد از ساکنان شیرآباد کارگر ساده و کارگر ساختمانی بوده‌اند. در زمان تحقیق، ۸۱/۳ درصد ساکنان شیرآباد تا شصت هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند. عایدی ماهانه ۳۶/۸ درصد از خانوارهای شیرآباد در همان زمان تا ۴۰ هزار تومان بوده است. چنانچه متوسط بعد خانوار شش نفر فرض شود (گرچه در مطالعات نگارنده این رقم نزدیک به ۹ نفر بوده است)، مشخص می‌شود که درصد یاد شده از جمعیت شیرآباد به سختی قادر به تأمین نیازهای اولیه خود بوده‌اند.



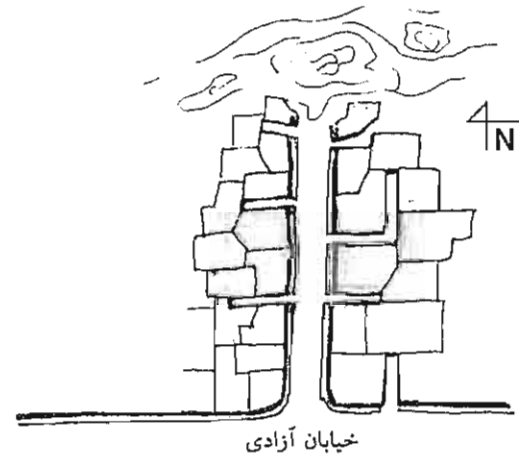
ورودی اصلی خانه‌ها در بافت سنتی (روستای درون شهری)



ورود



نمای خانه از خیابان



خانه‌ها گرداگرد کوچه

۱- وزارت مسکن و شهرسازی، شاخصهای توسعه شهری، تهران، ۱۳۷۱.

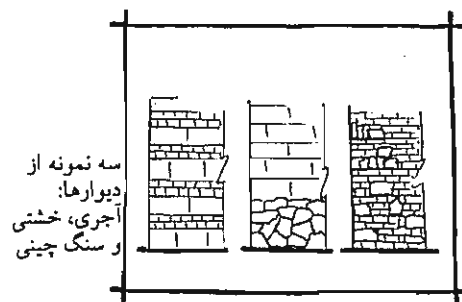
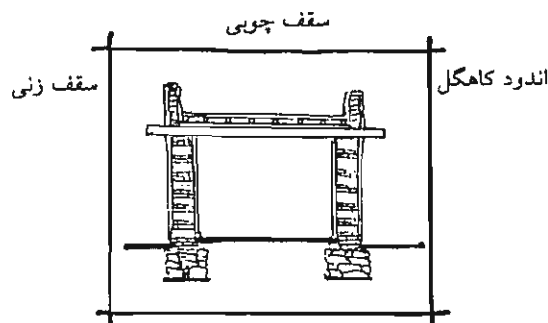
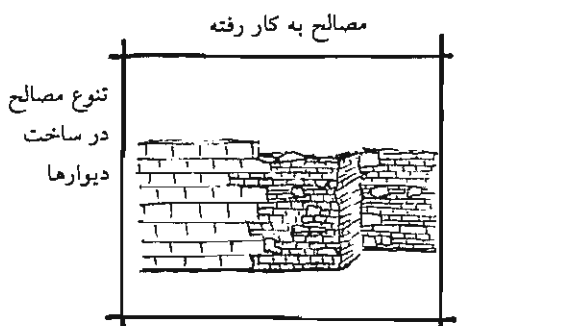
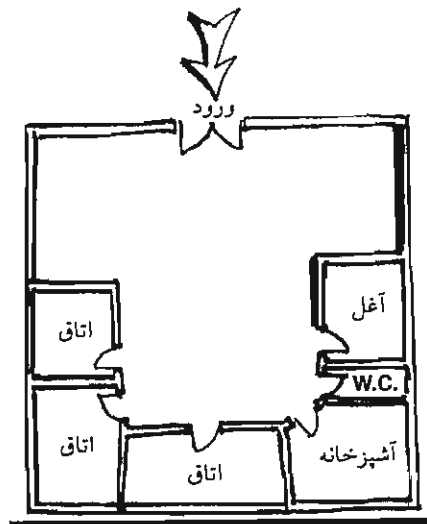
رقمی نزدیک به ۲۰ درصدشان تنها با نان و کمی پنیر ارتزاق می‌کردند. به همین دلیل در تمامی ساعات روز، نانواپی‌های شیرآباد مملو از مشتری است و متوسط نان درخواستی که معمولاً بربری مدور است، ۱۶ عدد محاسبه شده است. در چنین شرایطی یافتن سرپناه، سازوکار بقای خانوار تلقی می‌شود. به همین دلیل، اهالی این منطقه برای حفظ آن تحت هر شرایطی بجان می‌کوشند.

شرایط نامساعد اقتصادی، مرزهای طولانی با افغانستان و روابط تنگاتنگ قومی در دو سوی مرزها، زمینه‌ای بسیار مساعد برای درگیر شدن ۲۰ تا ۳۰ درصد اهالی در حمل و نقل مواد مخدر (عمدتاً تریاک قابه افغانستان) فراهم آورده است.

بایبرسی سلسله مراتب گروه‌های درگیر در مواد مخدر و نیز سلسله مراتب مافیای مواد مخدر بخصوص در شیرآباد؛ ملاحظه می‌شود درآمد افراد مستقر در لایه‌های مختلف سلسله مراتب یاد شده به عواملی چند بستگی دارد. از جمله، ابعاد کاروان و میزان مواد مخدر در حال حمل، دفعات حرکت کاروان، تعداد ایستگاههای توقف، و سرانجام نوع تضمینی یا غیر تضمینی انتقال. اولین لایه، فرمان بران کاروان، آشپز و خدمتکاران، خیرچین‌های جزء هستند. درآمد آنان ماهانه بین یکصد تا یکصد و پنجاه هزار تومان در نوسان است. لایه دوم، را رانندگان کاروان اشغال کرده‌اند. حقوق آنان ماهانه نیست، بلکه به تعداد نوبتهای حرکتشان بستگی دارد که اتفاقاً گاه به لفظ انگلیسی آن را تریپ<sup>(۱)</sup> می‌گویند. (البته بطور بدیهی با شدت کنترل مرزها این ارقام افزایش می‌یابد زیرا اقدام به حمل مواد را بیش از گذشته خطر آفرین می‌کنند).

آنان در هر دفعه حرکت بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند. سومین لایه به تفنگچی‌ها اختصاص دارد که آنان نیز بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان برای هر بار انتقال دستمزد می‌گیرند. چهارمین لایه را بلدهای راه تشکیل می‌دهند. دریافتی آنان تا حدودی معادل تفنگچی‌ها است. از این لایه بالاتر دلان قرار دارند که از خرده پا، متوسط، بالا، بسیار بالا و جهانی تشکیل می‌شوند. از قضا برخی از دلان متوسط و حتی بالا به اعتبار روابط قومی در شیرآباد مانده‌اند.

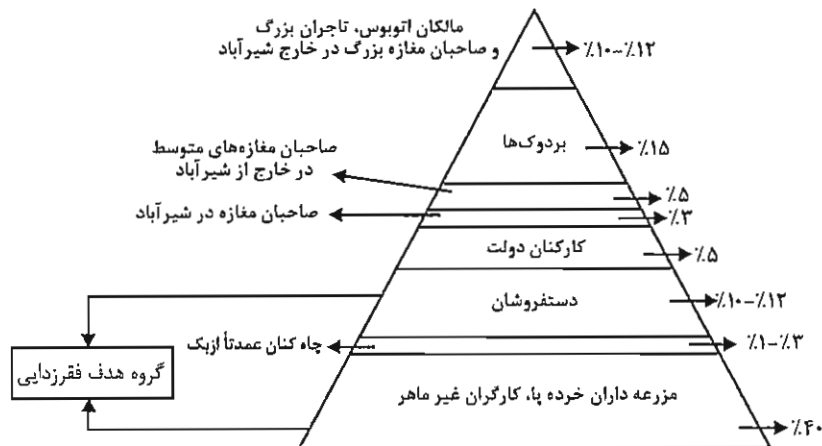
نکته مهم آن است که سلسله مراتب قاچاق مواد مخدر در شیرآباد به دو دلیل پدید آمده و ماندگار شده است. نخست آنکه مرز طولانی با افغانستان و پاکستان، زاهدان و به تبع آن شیرآباد را به نقطه‌ای واقع به سر راه کاروان‌های مواد مخدر تبدیل کرده



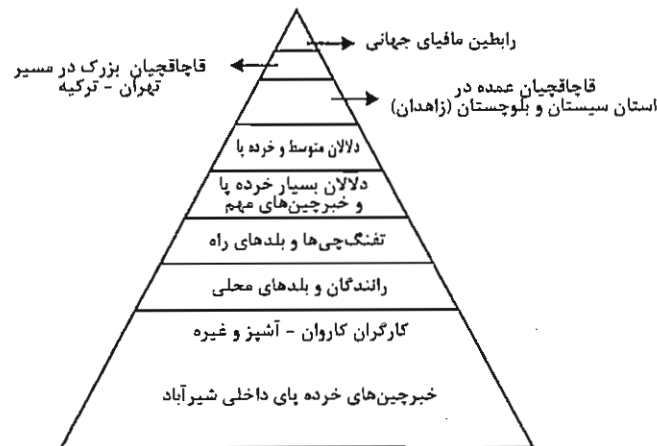
است، دوم این که روابط قومی کامل کننده سلسله مراتب است. در سایر سکونتگاه‌های غیررسمی، از این سلسله مراتب نشانی نیست. تنها بخشی از مواد مخدر که به مصرف عامه مردم، بخصوص لایه‌های پائینی طبقه متوسط و تمامی لایه‌های طبقات پایین می‌رسد، در بعضی سکونتگاه‌های غیررسمی تخلیه می‌شود. یعنی، در مواردی سکونتگاه‌های غیررسمی بارانداز به حساب می‌آیند. البته تقریباً در تمامی سکونتگاهها فروشندگان خرده‌پا حضور دارند. این گروه مواد دریافتی را با انواعی از سایر مواد (از جمله قرص‌های روانگردان تاریخ گذشته) مخلوط کرده و وزن آن را اضافه می‌کنند. به همین دلیل خلوص تریاک مصرفی با طبقه اجتماعی رابطه‌ای مستقیم دارد هر چه طبقه بالاتر میزان خلوص بیشتر. تریاک تحویلی خرده پاهای تا ۷۰ درصد ناخالص است. این امر در مورد هروئین نیز صادق است.

دستمزد افراد لایه یک از ۵۰ تا ۸۰ هزار تومان در ماه است. مسقنی‌های عمدتاً از یک لایه دوم را تشکیل می‌دهد که لایه بسیار نازکی از این هرم به

شمار می‌آیند. در صورت وجود کار دائمی (مشکلی که معنی‌ها از آن در هراس اند، بیکاری است) بین ۷۰ تا صد هزار تومان ماهیانه نه درآمد دارند. لایه سوم، دستفروشانند که بین یکصد تا یکصدوپنجاه هزار تومان را، به قول خودشان، می‌سازند. لایه بعدی را کارکنان بخش عمومی پدید آورده‌اند. درآمد ماهیانه به جایگاهشان در سلسله مراتب اداری، که معمولاً چندان بلندمرتبه نیست، بستگی دارد. رانندگان سازمانهای دولتی در میان آنان فراوان است. در آمد آنان از ۷۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه نوسان می‌کند. لایه پنجم را صاحبان مغازه در شیرآباد تشکیل می‌دهند و درآمدی بین یکصدوپنجاه تا دویست هزار تومان در ماه دارند. البته، بقالی‌های بسیار کوچکی نیز در آنجا یافت می‌شوند که بیش از یکصد هزار تومان در ماه درآمد ندارند. لایه بعدی، به صاحبان مغازه‌های کوچک در زاهدان تعلق دارد که سود ماهانه آنها بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان است. لایه ششم را بردوک‌ها اشغال کرده‌اند. بردوک (بدوک) در زبان بلوچی به معنای بردوش است. بردوکها را چترباز نیز



نمودار ۱. گروه‌بندی‌های شغلی در شیرآباد (تخمینی)



نمودار ۲. سلسله مراتب مافیای مواد مخدر با توجه به شرایط شیرآباد

و از این طریق تحرک عمودی محدودی را تجربه کنند و سطح زندگی خود را بالاتر برند. بر این اساس، اکثریت قریب به اتفاق ساکنان از زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی ابراز رضایت می‌کنند. اشتباه بسیاری از محققان آنجاست که این رضایت را به ناآگاهی و محدودیت افق دید نسبت می‌دهند. حال آنکه ساکنان محلات آلونکی نیز معنای مسکن مناسب را نیک می‌دانند. اما آلونک خود را بهترین سرپناه ممکن در شرایط جاری خودشان می‌انگارند.

■ در شیرآباد بر سر حفظ مسکن، همبستگی چشم‌گیری برقرار است. همبستگی‌های قومی نیز بر عمق آن بسی افزوده است؛

■ در شیرآباد، نظام حمایت غیررسمی به ویژه در شرایط پیش آمدن بحرانهای زندگی در کار است و بخوبی عمل می‌کند. باز هم همبستگی‌های قوی، این نوع حمایتها را تقویت کرده است؛ گر چه چنین حمایت‌هایی را به معنای تخصصی و فنی کلمه مشارکت اجتماعی نمی‌توان خواند. چنین همکاری‌هایی غریزی شده است و با فشار شدید چشم داشت‌های طایفه‌ای همراه است.

■ کالبد یا بافت شیرآباد، به ویژه در بخش‌هایی از آن که بعد از انقلاب توسعه یافته، کاملاً مشابه سایر سکونتگاه‌هایی غیررسمی است. مسکن نیز خودساخته و یک شبه برپا شده است. ضمناً، الگوی تصرف زمین هم از روندی مشابه پیروی کرده است؛ تهاجم وسیع و نیمه سازمان یافته در آغاز و سپس تقسیم زمین ظاهراً کشاورزی؛

■ کمبود آب در شیرآباد چون بسیاری از سونتگاه‌های غیررسمی، معضلات بهداشتی متعددی را پدید آورده است. نگهداری دام در خانه‌ها، تردد به مناطق آلوده در افغانستان، آبکش نبودن زمین و بنابراین نشست فاضلاب به پایین دست، و فقدان بیمه‌های درمانی شرایط بهداشتی شیرآباد را حادث‌تر کرده است؛

■ در شیرآباد، به سان سایر سکونتگاه‌های غیررسمی، با تشدید شرایط نامناسب اقتصادی، تقسیم و باز تقسیم واحدهای مسکونی و یا اجاره دادن هر اطاق به یک خانواده، شایع شده است؛

■ شیرآباد نیز مانند سایر سکونتگاه‌های غیررسمی

می‌خوانند. کار آنان را بردوکی می‌گویند. بردوکها با مبلغی پول که در اختیار دارند به طور غیرقانونی از مرز می‌گذرند. گاه همراه خود، دارو، مواد غذایی، نفت و مشتقات آن و غیره می‌برند و از آن سو پارچه و لباس‌های دست دوم که به آنها «تاناکورا» می‌گویند، وسایل صوتی دست دوم، به ویژه در دوران طالبان که ضبط صوت اتوموبیل ممنوع بود، به این سوی مرز منتقل می‌کنند و به مغازه‌های زاهدان می‌فروشند، بردوکها به دو گروه حرفه‌ای و گاهگاهی، تقسیم می‌شوند. حرفه‌ای‌ها به بردوکی به عنوان شغل می‌نگرند و غیرحرفه‌ای‌ها آن را محلی برای درآمد بیشتر تلقی می‌کنند، زنان و گاه نوجوانان، نیز به این کار می‌پردازند. درآمد بردوک‌ها به دو عامل، پول و کالایی که با خود به آن سوی مرز می‌برند، و دفعات انجام این عمل، بستگی دارد. از این رو، درآمد آنان از یکصد هزار تومان تا پانصد هزار تومان در نوسان است. زنان گاه باری نسبتاً سنگین را بر سر خود می‌نهند و حمل می‌کنند. سرانجام، آخرین لایه را مغازه داران بزرگ، صاحبان کسامیون، اتوبوس و مینی بوس و وارد کنندگان قاچاقی عمده کالا تشکیل می‌دهند که به اعتبار برخورداری از روابط و همبستگی‌های قومی در شیرآباد مانده‌اند. وجود دلان خرده‌پا و وارد کنندگان عمده کالا، سبب شده است تا در سکونتگاه غیررسمی شیرآباد، نقش مدل یا الگویی شکل گیرد که عبارت است از دستیابی به ثروت با زحمتی نسبتاً اندک و در مدت زمانی کوتاه (زحمت اصلی کار را رده‌های پایین دست بر دوش می‌کشند). این الگو به جذب جوانان بیکار به حوزه فعالیت‌های غیرقانونی می‌انجامد. مخصوصاً وقتی پی می‌برند که راههای گریز از قانون فراوان است. اختلاف شدید طبقاتی این روند را تشدید می‌کند نکته درخور توجه این است که همبستگی قومی بر تضاد طبقاتی سرپوش می‌نهند و از بروز آن می‌کاهد. لیکن، در گروههای جوان‌تر نشانه‌هایی از این تضاد به چشم می‌خورد و گویای افزایش آن است. البته چنین الگویی در حال تعمیم به کل جامعه است. یعنی ثروت اندوزی در چشم بهم زدنی با هر گونه حقه‌بازی ممکن.

## ۵. شباهت‌های شیرآباد با سایر سکونتگاه‌های غیررسمی

اسکان در شیرآباد نوعی سازوکار دفاعی و راهکار بقا به حساب می‌آید. تهیدستان نامتشکل شهری که از توانایی گردآوری یکی دو میلیون تومان برخوردارند، به جان می‌کوشند تا هزینه مسکن را از سبد هزینه‌های خانوار بکاهند

دارای ویژگیهای اجتماعی<sup>(۱)</sup> است، روابط قومی آن را کاملتر و تشدید کرده است؛

■ اضطراب دائمی از کف دادن مسکن، یعنی مهمترین عنصر بقاء در شیرآباد، نیز مشهود است و دغدغهای دائمی را تشکیل می‌دهد؛

■ شیرآباد نیز در ذهن مردم زاهدان به عقاید قالبی و کلیشه‌هایی در باب جرم خیزی، ناامنی، فساد و... جان بخشیده است؛ حال آنکه علیرغم دخالت درصدی در حمل و نقل مواد مخدر، چون تمامی نقاط جهان و در تمامی ادوار و چون قانونمندی ای پایدار، اکثریت ساکنان شیرآباد نیز مردمی شریف و زحمتکش اند که در طلب لقمه‌ای نان از بامداد تا پاسی از شب به کار طاقت فرسا مشغول اند و در گذر آن فرسوده می‌شوند، چنان که ظاهرشان با سن و سال شناسنامه‌ای آنان تفاوتی آشکار دارد بسی پیرتر به نظر می‌رسند. این امر در مورد زنان مشهودتر است، سوء تغذیه عمومی نیز این روند را حادثتر و شتابانتر می‌کند؛

■ رها کردن خانواده در اثر فقر و بیکاری و رفتن در پی کار در استانها و سایر نقاط سیستان و بلوچستان، و عبور دائمی از مرز، سبب شده است که در تمامی روند تحقیقات حضور زنان در شیرآباد افزونتر از مردان باشد، حال آنکه در زاهدان وضع متفاوت است؛

■ در شیرآباد، چون تمامی سکونتگاه‌ها، فاصله سطح انتظارات و سطح زندگی واقعی فوق العاده بالاست و این شکاف به سرخوردگی، یاس و اضطراب ساکنان دامن زده است؛

## ۶. ویژگیهای خاص شیرآباد

■ در رأس تمامی تفاوتها، مسئله یکدستی قومی در بخش قدیمی شیرآباد و غلبه بلوچ‌ها آن هم با فاصله‌ای زیاد، در تمامی شیرآباد به چشم می‌خورد. این موضوع به رفتارها، چشمداشت‌ها و همبستگی و روابط متقابل خاصی جان بخشیده است که پیر سالاری، مردسالاری، رئیس طایفه، تیره و خاندان سالاری از همه چشمگیرتر است، به نحوی که بخش عمده‌ای از تصمیم‌های مربوط به زندگی افراد توسط گروه‌های یاد شده گرفته می‌شود؛

■ علیرغم درگیری درصدی از ساکنان شیرآباد در حمل و نقل مواد مخدر، تعداد معتادان این ناحیه بسیار ناچیز

پدیده حاشیه شهرها مفهومی گذرا است. نقطه‌ای که امروز حاشیه شهر است، فردا از حاشیه بودن خارج می‌شود.

است که به تحریم شدید این امر از جانب مولوی‌ها و قدرت بالای آنان باز می‌گردد. گرچه در چند سال اخیر در بین جوانان که گذاری سخت را تجربه می‌کنند، چند مورد اعتیاد دیده شده است؛ گذار یاد شده در بین جوانان شیرآبادی، همسان سایر نقاط کشور به تضادهای گوناگونی از جمله بحران هویت جان بخشیده است که خود مثنوی هفت هزار منی دیگری است. نگارنده با استفاده از روش بحث متمرکز گروهی (FGD) با نوجوانان و جوانان به گفتگو می‌نشیند. حاصل تا همین جای کار حیرت افزاست؛

■ گرچه در بسیاری از سکونتگاه‌های غیررسمی، افغانها و اساساً مهاجران سایر کشورهای همسایه ساکن اند شمار این گروه در شیرآباد بسیار بالاتر از سایر سکونتگاه‌هاست و ضمناً اجتماع آنان به نحو بارزی مشکل و کارکردی است؛

■ روابط قومی سبب شده که ناامنی در داخل سکونتگاه‌های غیررسمی که امری عمومی است، در شیرآباد به شدت محدود شود. نظارت و کنترل مردمی به ویژه در سطح همسایگی و خرده محله‌ای فوق العاده قوی است؛

■ در تمامی سکونتگاه‌های غیررسمی، فقر روز افزون، رها شدن خانواده‌ها و نظایر آن، به فساد اخلاقی در سطحی محدود منجر شده است. امری که در شیرآباد تابویی وحشتناک و از این روی پدیده‌ای سخت نادر است؛

■ چند همسرگزینی در شیرآباد به نسبت سایر سکونتگاه‌های غیررسمی بسیار بالاتر است. اختیار کردن بیش از دو همسر به کرات به چشم می‌خورد. اختلاف سنی بین زن و شوهر گاه به بیش از ۲۰ سال می‌رسد؛

■ اعتقادات مذهبی در شیرآباد نسبت به سایر سکونتگاه‌های غیررسمی سخت مستحکم‌تر و مشهودتر است. مانند تمامی اجتماعات اهل تسنن، صدای اذان از ۳۳ باب مسجد، سکونتگاه متعلق به ۳۳ طایفه را رونقی در خور

## سخن پایانی

اکنون شیرآباد دارای شهردار انتخابی است. شورایی محله‌ها تشکیل شده و بسیار فعال بوده‌اند. با حمایت استانداری و شخص استاندار و شورای اسلامی شهر زاهدان که فعالانه یاور محله شیرآباد بوده است، شورای محل شیرآباد موفق شده است بدون دخالت سازمان‌های دولتی، و فقط با بهره‌گیری از انگیزه بسیار بالا در نزد مالکان آنان برای صدور سند مالکیت، داوطلبانه به تخریب بخش‌هایی از بافت شیرآباد بپردازند و بدین ترتیب بیشتر از ۶۰ هزار متر مربع زمین تأمین شده است. بدون اغراق، این امر در جهان کم نظیر است زیرا پروژه تخریب معمولاً با بسیج امکانات امنیتی و انتظامی صورت می‌گیرد و پروژه‌ای بس ناموفق در تمامی جهان سوم بوده است. این حرکت علاوه بر آنکه برای ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی تجربه‌ای تلخ به حساب آمده به شورشهای شهری نیز منجر شده است. کار بهسازی معابر به سرعت در حال انجام است. مقدمات احداث سیستم فاضلاب فراهم آمده و سیستم جمع‌آوری زباله برقرار شده است. در حال حاضر، دو سازمان غیردولتی زنان بنامهای زیتون و مکران تأسیس شده و با احیاء و توسعه صنایع دستی بلوچ نزدیک به ۲۵۰ خانواده بی سرپرست را زیر پوشش دارد. برنامه توانمندسازی شوراهای اسلامی شهرهای استان، از سوی سازمان ملل مراحل ابتدایی را می‌پیماید؛ نگارنده نیز برنامه توانمندسازی شوراهای را در دست تدوین دارد که مراحل نهایی را طی می‌کند. به هر تقدیر، کار بهسازی تا این زمان در مقام مقایسه با سایر نقاط با در نظر گرفتن تمامی محدودیت‌ها، موفق ارزیابی می‌شود. درباره شیرآباد سخن فراوان است، اما این زمان بگذار تا وقت دیگر. فقط می‌توان اشاره کرد که طرح شورایی که در تهران و چند شهر دیگر اجرا شده است، که مهمترین اصل آن فعال شدن گروههای کار محله‌ای است، در غیر این صورت طرح به نمایی مسخره تبدیل می‌شود. در شیرآباد طرح یاد شده به بهترین شکل نتیجه داده است به نحوی که جلد دوم کتاب نگارنده که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت به این نتایج اختصاص دارد و بزودی توسط برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) منتشر خواهد شد. در مورد نتایج طرح شورایی (طراحی شده توسط نگارنده) در تهران بهتر است که سکوت پیشه کنیم؛ اما در سایر شهرها نتایج ارزنده‌ای داشته است.

نباید فراموش کرد که قدرتمندی جامعه مدنی، اهمیت و حرمت قانون، گرایش عمومی به قانون‌گرایی و مدیریت شهری قدرتمند، امکان اشتغال زمین و ایجاد سکونتگاه‌هایی غیرقانونی و غیررسمی را از اساس منتفی می‌کند.

می‌بخشد؛ این امر ۵ بار در روز تکرار می‌شود؛

■ گرچه تردد از مرز و حمل کالا از این سوی بدان سوی، در شهرهای مرزی رایج است، این مساله در شیرآباد از گستردگی بیشتری برخوردار است و پایداری بسیار بالاتری دارد؛

■ برعکس سایر سکونتگاه‌ها، طلاق و اختلاف زناشویی در شیرآباد بسیار نادر است. مردسالاری شدید، چشم داشت اطاعت محض از زن، چند همسرگزینی و همبستگی‌های شدید قومی و ازدواج فامیلی، از عوامل اصلی این پدیده به شمار می‌آیند و به هیچ وجه گویای رضایت زنان از زندگی خود نیست؛

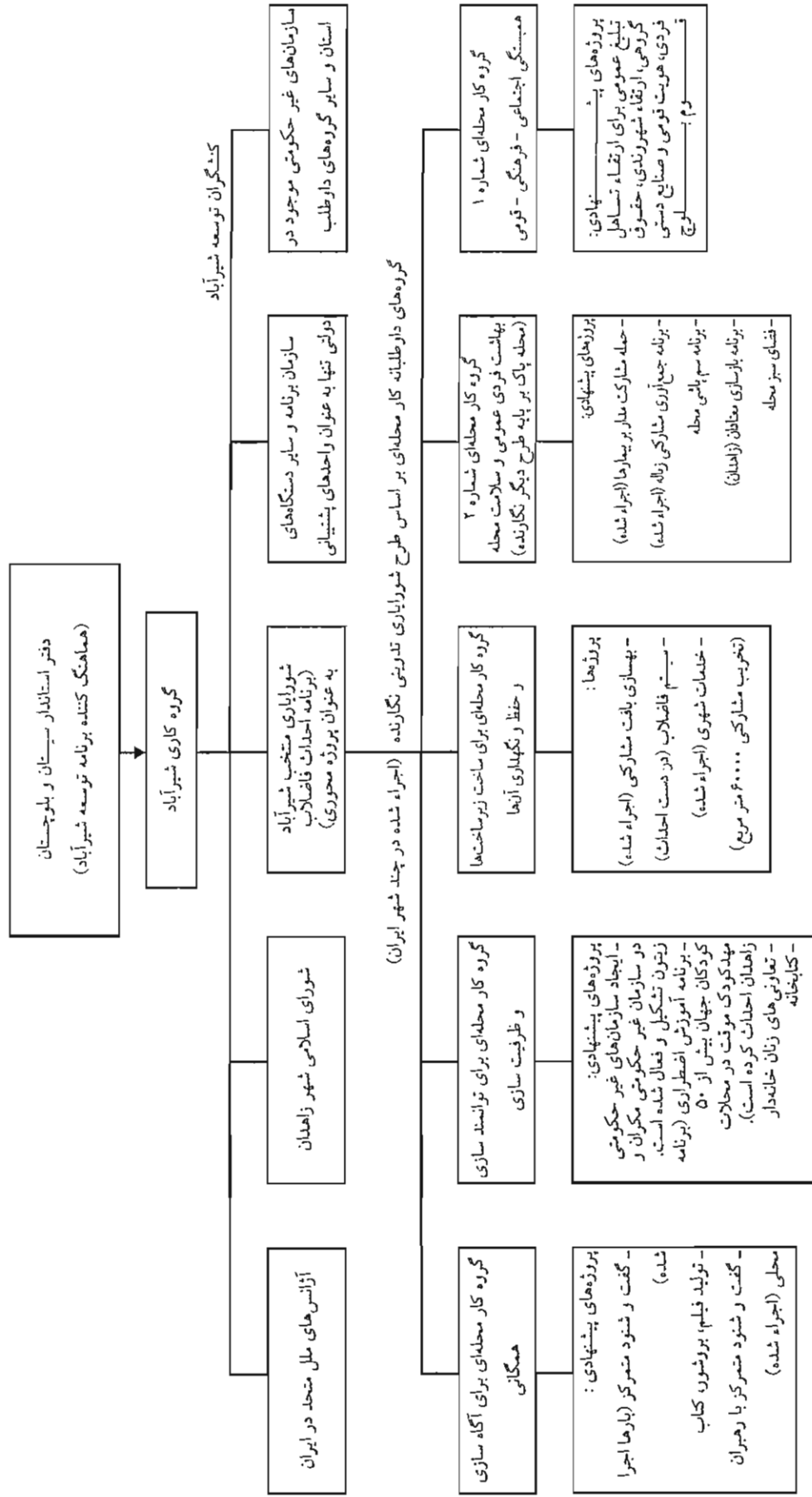
■ مشکل جمع‌آوری زباله در شیرآباد به مراتب وخیمتر از سایر سکونتگاه‌هاست. وجود انبوهی زباله در حاشیه خیابان و جاری بودن فاضلاب در جوی‌ها معضل بهداشتی بسیار حاد و وخیمتری پدید آورده است.

## ۷. برنامه بهسازی شیرآباد

بهسازی شیرآباد و اجرای برنامه‌های متعدد در زمینه‌های آموزشی، و به طور کل فرهنگی، اجتماعی، ایجاد اشتغال و مهمتر از همه ارائه خدمات شهری و بهبود آن، همواره دغدغه مسوولان استان بوده است و اقدامات انجام شده در چند سال گذشته با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست. گرچه هدف مطالعه انجام شده توسط نگارنده برای سازمان ملل متحد (دفتر عمران ملل متحد)، ترسیم سیمای سکونتگاه غیررسمی شیرآباد بوده است، لیکن در پایان گزارش به نکاتی در مورد فقرزدایی، چه در کل استان و چه در شیرآباد اشاره شده است. این برنامه در قالب نموداری در صفحه بعد آورده شده است. نکته در خور توجه این است که بخشی از برنامه‌های پیشنهادی تحقق یافته است.



نمودار شماره ۳. خطر ط کلی برنامه بهسازی شیرآباد (طرح شوراباری محله)



\* جا دارد از زحمات بیش از انتظار آقای مهندس حبیبی استاندار سابق سیستان و بلوچستان که واقعاً (و نه نمایشی) کار مشارکتی و نظر متخصصان را باور داشتند سپاسگزار می‌شود. همچنین زحمات شبانه‌روزی شورای اسلامی شهر زاهدان به ویژه آقای گرگیج و سرکارخانم کشمیری قابل تقدیر است.

## ■ مقاله‌ها و تحقیقات نگارنده در باب اسکان

### غیررسمی

- شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار - اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره‌های ۱۲ الی ۲۴: ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ (به همراه گزارش تحقیق در باب آلودگی نشینی در هشت منطقه تهران)

- آلودگی نشینی در ایران - اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره‌های ۹۶-۹۱، ۱۳۷۴

- طرح بهسازی تپه مرادآب کرج، بخش اجتماعی - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی - تهران ۱۳۷۱

- مطالعه جامعه‌شناسی شهری منطقه سیزده مشهد - طرح تجدید نظر طرح جامع مشهد، تهران - مهندسین مشاور مهرآزان ۱۳۷۴

- الگوهای انطباق با فقر در تپه مرادآب کرج - دانشگاه علامه طباطبایی، تحقیق جامعه‌شناسی شهری تهران ۱۳۷۹

- بررسی جامع اسکان غیررسمی در همدان، با همکاری دانشجویان گرایش برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۴

- نظام حمایت اجتماعی غیررسمی در سکونتگاه‌های غیررسمی، تحقیق در دست انجام

- فقر و شورشهای شهری با نیم‌نگاهی به شرایط ایران در کتاب فقر در ایران - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی ۱۳۷۹

- بهسازی کالبدی تپه مرادآب کرج - پروژه گروهی درس روش تحقیق در معماری - کارشناسی ارشد - دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۶۹

- اجتماعات آلودگی پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه نشینی. ماهنامه شهرداری‌ها شماره ۳۲ - دی ۱۳۸۰

- "جنبش‌های اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران" - ماهنامه آفتاب شماره‌های ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۳۸۰ و

۱۳۸۱

- تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران شماره ۶ - ۱۳۸۰

### ■ مشاور دو رساله دکتری در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی

۱. شیخی، محمد - دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران ۱۳۸۰  
۲. حاتمی نژاد، حسین - دوره دکتری جغرافیای شهری، دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۰

### ■ کتاب آماده انتشار:

- اسکان غیررسمی در ایران: از افسانه تا واقعیت

### ترجمه‌ها:

- آلودگی نشینی در سنگاپور - اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۵-۱۴ ۱۳۶۶  
- اسکان غیررسمی در سوربایای اندونزی اثر جان سیلاس - وزارت مسکن و شهرسازی ۱۳۷۲  
- آلودگی نشینی در سالوادور برزیل - اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۵ ۱۳۶۶

### منابع انگلیسی:

- 1 - Castells, Manuel & Hall peter, *Technopoles of the world* London, Routledge 1996
- 2 - Perlman Janice, *Myth of Marginality* N.Y. Free Press 1976
- 3 - Piran, Parviz, *Poverty Alleviation in Sistan & Baluchestan: The case of Shirabad* UNDP, 2002
- 4 - Piran, Parviz, *Socio - cultural study on Reproductive Health conditions & Health Seeking Behaviors in Five Selected Districts in Iran* UNFPA, 2002 (زیر چاپ)
- 5 - Piran, Parviz, "Citizenship & Urban Form" Foran pub. Florance, 1999
- 6 - Turner, J.F.C. "Dwelling Resources in South America". *Architectural Design*, 33(8) 1963
- 7 - Turner, J.F.C. "Lima's Barriadas & Corralones" *Ekistics* 112 - 1965